

ساماندهی جنگل‌نشینان هیرکانی شمال ایران (بازخوانی یک طرح با سناریوهای محتمل)

عباس علیپور نخعی*

* استادیار پژوهش، بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویجی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی
مازندران، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ساری، ایران dr.alipour82@gmail.com

چکیده

از سال ۱۳۶۳ برنامه خروج دام از جنگل مطرح شد. در آن سال بحث خروج جنگل‌نشینان برای حفظ جنگل‌های شمال مطرح گردید. دستگاه‌های دولتی ذیربط اعلام کردند که بزرگترین مشکل جنگل‌های شمال، حضور جنگل‌نشینان و دام در جنگل است. طرح خروج دام از جنگل به‌عنوان یک طرح توسعه‌ای و منطقه‌ای با هدف حفظ و احیاء جنگل‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی دامداران در سال ۱۳۷۱ در جنگل‌های شمال کشور به مرحله اجرا درآمد و در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شدت گرفت. مسأله حفاظت از مراتع و جنگل‌ها در کل کشور و جنگل‌های شمال در برنامه‌های ۵ ساله کشور مرتباً تکرار گردید. بر اساس آمار ارائه شده توسط سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، تا پایان برنامه سوم تنها ۲۹۳۸ خانوار (۳۷٪ درصد) از مجموع کل خانوارهای ساکن در جنگل‌های هیرکانی و ۱۰۰۱۷۹۰ واحد دامی (۲۲/۹ درصد) از کل دام‌های موجود خارج شدند. درصد ناچیز موفقیت اجرای طرح نشان می‌دهد که برخورد با مسائل انسان‌محور در جنگل‌های هیرکانی نیاز به مطالعات همه‌جانبه داشته و اصولاً اتخاذ و اجرای یک سیاست کلی و همسان در همه حوزه آبخیز به دلیل تنوع بالای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باعث اتلاف منابع و پیچیدگی‌های بیشتر مشکل خواهد شد. در این مقاله کوشش شده تا سه سناریوی قابل تصور در اصرار دولت برای اجرایی شدن این طرح علیرغم موفقیت‌های اندک آن در طی چهار برنامه مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: جنگل‌های هیرکانی، ساماندهی جنگل‌نشینان، شرکت‌های بهره‌برداری از جنگل، طرح خروج دام، طرح‌های جنگلداری.

بیان مسأله

در جنگل‌های شمال گروه‌های اجتماعی به اشکال مختلف حضور دارند و از آن بهره می‌گیرند که در اصطلاح به آنها جنگل‌نشین می‌گویند و به کشاورزی و دامداری اشتغال دارند (عادل و صدیقی، ۱۳۹۹). در این مقاله منظور از جنگل‌نشین‌های هیرکانی شمال ایران خانواده‌هایی هستند که از قرن‌ها پیش در جنگل‌های شمال ایران دارای سکونت‌گاه بوده‌اند، آنها حق سنتی و مجوز بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع را داشته‌اند. منابع مختلف، آمارهای متفاوتی از سطح جنگل‌های هیرکانی ارائه داده‌اند. برخی منابع جنگل‌های این ناحیه از ایران را در سال ۱۳۴۹ حدود ۲/۵ میلیون هکتار برآورد کرده‌اند. در سال ۱۳۶۳ مرکز مدیریت و بهره‌برداری از جنگل مساحت جنگل‌های هیرکانی را ۱۷۴۷۰۰۰ هکتار و UNDP در سال ۱۳۸۲ مساحت این جنگل‌ها را ۱۴۰۰۰۰۰ هکتار و سازمان جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۸۴ عدد ۱۹۲۰۰۰۰ هکتار را ارائه داده‌اند. اما آنچه در روی زمین و از روی عکس‌های ماهواره‌ای مشاهده می‌شود، جنگل‌های هیرکانی شمال ایران هر سال بیش از پیش تخریب می‌شوند. برخی کارشناسان آمار تخریب سالیانه جنگل‌های هیرکانی را حدود ۶۳۰۰۰ هکتار برآورد کرده‌اند. در سال ۱۳۲۷ به موجب مصوبه هیات وزیران، بنگاه جنگل‌ها و در سال ۱۳۳۸ سازمان جنگل‌بانی ایران تأسیس شد. از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ برنامه احداث مجتمع‌های صنعتی در کنار جنگل‌ها در برنامه دولت قرار گرفت. بعد از این تاریخ شرکت‌های دولتی نکا چوب، چوب فریم، چوب و کاغذ گیلان، چوب و کاغذ مازندران تأسیس شد.

جدول ۱- مساحت جنگل‌های واگذار شده به بخش‌های مختلف اقتصادی کشور بین سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۸۸

۱۳۸۸		۱۳۷۸		۱۳۵۷		
درصد	مساحت	درصد	هکتار	درصد	هکتار	
۳۷/۶	۵۲۶۰۰۰	٪۴۳	۴۱۴۰۸۸	۷۳/۶	۳۱۶۵۰۰	دولت
۵۲	۷۲۰۰۰	٪۴۱/۷	۴۰۲۳۱۷	۲۶/۴	۱۱۳۵۵۰	بخش خصوصی
۹/۵	۱۳۴۴۰۰	٪۱۵/۳	۱۴۷۷۹۲	-	-	بخش تعاون
۱۰۰	۷۳۲۴۰۰	۱۰۰	۹۶۴۱۹۷	۱۰۰	۴۳۰۰۵۰	کل

* اساس مطالعات بر مبنای مطالعات میدانی نگارنده بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۴۰۰ تنظیم شده است.

از سال ۱۳۶۳ برنامه خروج دام از جنگل مطرح شد. در آن سال بحث خروج جنگل‌نشینان برای حفظ جنگل‌های شمال مطرح گردید. دستگاه‌های ذیربط دولتی اعلام کردند که بزرگترین مشکل جنگل‌های هیرکانی حضور جنگل‌نشینان و دام در جنگل است. طرح خروج دام از جنگل به‌عنوان یک طرح توسعه‌ای و منطقه‌ای با هدف حفظ و احیاء جنگل‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی دامداران در سال ۱۳۷۱ در جنگل‌های هیرکانی شمال کشور به مرحله اجرا درآمد (معتمد و قربانی پیرعلی‌دهی، ۱۴۰۰). این طرح در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ شدت گرفت. دولت در جلسه مورخ ۱۳۸۲/۶/۵ به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی مصوبه‌ای تحت عنوان برنامه جامع صیانت از جنگل‌های شمال کشور (حفظ، نگهداری و توسعه جنگل‌های شمال) را تصویب و در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲۴ طی نامه شماره ۱۶۲۷۶=۲۶۲۳۹-ه آن را به وزارت جهاد کشاورزی اعلام نمود. در این مصوبه آمده است سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور مکلف است در یک برنامه‌ریزی زمانی و به صورت فوق‌العاده نسبت به خارج ساختن دام‌های باقیمانده در سطح جنگل‌های شمال به میزان ۳/۷ میلیون واحد دامی و حدود ۱۰۵۶۵ خانوار جنگل‌نشین ساکن آبادی‌های زیر ۲۰ خانوار طی یک برنامه ۶ ساله از عرصه‌های جنگلی شمال اقدام نمایند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲). مسأله حفاظت از مراتع و جنگل‌ها در کل کشور و جنگل‌های هیرکانی شمال ایران در

برنامه‌های ۵ ساله کشور مرتباً تکرار گردید. بر مبنای آمار سال ۱۳۶۵، تعداد خانوارهای موجود در سطح جنگل‌های هیرکانی ۷۸۳۹۰ خانوار برآورد گردیده است. در مصوبه ۱۳۸۲/۶/۲۴ دولت، تعداد خانوارهای باقیمانده ۱۰۵۶۵ خانوار ذکر شده است. در ظرف ۱۷ سال، حدود ۶۷۸۰۰ خانوار یا از جنگل خارج شدند یا خود از جنگل‌ها رفتند (ممکن است اختلافات آماری حدود ۱۵ درصد وجود داشته باشد). در این مقاله کوشش خواهد شد سه سناریوی قابل تصور در اصرار دولت برای اجرایی شدن این طرح علیرغم موفقیت‌های اندک آن در طی چهار برنامه اجرای آن مورد بررسی قرار گیرد.

دستاوردها

سناریوی اول: "افزایش و بازتولید ظرفیت‌های اکوسیستم جنگل‌های هیرکانی جهت تولید حجم سریای چوب با خروج دام و جنگل‌نشینان و پاک‌تراشی و نهال‌کاری در سطح عرصه‌های آزاد شده"

بر اساس این سناریو اگر هر واحد دامی حداقل به مدت ۹ ماه از سال در داخل جنگل اطراق نماید و روزانه فقط از یک نهال جوان تغذیه کند، سالانه معادل ۱/۵۶ میلیارد اصله نهال مورد استفاده دام قرار می‌گیرد (حق‌زاد و حسنی‌مهر، ۱۳۸۶). این در حالی است که میزان مصرف هیزم سالیانه واحدهای دامداری و مصرف سالیانه چوب برای ساخت و مرمت و اصلاح اصطبل‌ها و مساحتی که این واحدهای دامداری جهت اطراق‌گاه‌های خود مورد استفاده قرار می‌دهند، به ترتیب معادل ۲۸۷۵۸۱۵ و ۸۴۶۹۰ مترمکعب و ۵۷۰۰۰ هکتار تخمین زده می‌شود. این امر به دلیل به‌کارگیری شیوه‌های نوین بهره‌برداری به میزان سالانه ۲ میلیون مترمکعب با مجوز دولتی و در قالب طرح‌های جنگل‌داری است و در بستری که جنگل‌نشینان برای رفع احتیاجات روزمره خود با روش‌های سنتی بیش از ۳ میلیون مترمکعب چوب بدون مجوز بهره‌برداری می‌نمایند. در واقع این عمل موجب بهره‌برداری مضاعف با دو شیوه علمی و معیشتی به میزان سالانه حداقل ۵ میلیون مترمکعب از جنگل‌های شمال کشور شده است، در حالی که میزان رشد سالانه جنگل‌های این منطقه ۳/۹ میلیون مترمکعب برآورد شده است (خادم، ۱۳۸۰).

جدول ۲- وضعیت جنگل‌نشینان در سرچنگل‌داری‌های شمال کشور در سال ۱۳۶۵

کل خانوار	آبادی - خانوار				کل آبادی (تعداد)		مقطع زمانی
	درصد	۶ تا ۲۰ خانوار	درصد	۱ تا ۵ خانوار	درصد	تعداد	
۲۴۸۶۹	۳۴/۵	۵۳۶	۳۹/۷	۶۱۷	۴۵/۷	۱۵۵۴	گیلان
۱۱۸۶۹	۳۴	۱۲۰	۲۸	۹۸	۱۰/۳	۳۵۰	نوشهر
۲۴۸۹۳	۱۴/۷	۱۹۲	۵۴/۱	۶۹۰	۳۷/۷	۱۲۸۴	ساری
۱۶۷۵۹	۱۵	۳۴	۱۵	۳۲	۶/۳	۲۱۳	گلستان
۷۸۳۹۰	۷/۲۵	۸۷۳	۴۲/۴	۱۴۴۲	۱۰۰	۳۴۰۱	منطقه شمال

ماخذ: سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، ۱۳۷۳

اگرچه در نگاه اولیه استدلال‌های ارائه شده بر اساس نتایج دستورالعمل تهیه و اجرای طرح ساماندهی خروج دام و تمرکز خانوارهای پراکنده جنگل‌نشین در جنگل‌های شمال کشور که به‌وسیله سازمان جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۷۳ انجام گرفته است قبول این سناریو منطقی به نظر می‌رسد، اما آیا واقعا دام و دامداری و حضور جنگل‌نشین می‌تواند این حجم از تخریب را به مهمترین ذخیره زیستگاهی کشور وارد کند؟ اگر این گونه باشد، با توجه به قرن‌ها حضور آنها در سطح جنگل‌های منطقه، نباید چیزی از این منابع به نسل کنونی به ارث می‌رسید.

سناریوی دوم: "خروج دام و دامدار جنگل‌نشین از سطح جنگل‌های تحت تصرف شرکت‌ها (دولتی، خصوصی و تعاونی) به منظور اعمال مدیریت علمی منطبق بر کتابچه طرح‌های جنگل‌داری"

ظاهراً این سناریو نیز همانند سناریوی قبلی منطقی و علمی به نظر می‌رسد، چرا که هرگونه بهره‌برداری از منابع جنگلی تنها در قالب کتابچه طرح‌های جنگل‌داری که به‌وسیله کارشناسان سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور با لحاظ همه ملاحظات تهیه گردیده و میزان و مساحت بهره‌برداری بر اساس توان رویشی جنگل‌های تحت تصرف شرکت‌ها در بلوک‌ها و پارسل‌های مشخص انجام می‌گیرد، قادر خواهد بود ضمن حفظ توان رویشی جنگل‌ها از منابع خدادادی به‌نحوی موثر در جهت توسعه نیازهای روزافزون جامعه کنونی ایران استفاده نموده و سالانه مقادیر متنابهی از خروج ارز از کشور جلوگیری نماید. اما واقعیت آن است که پس از تخلیه جنگل از جنگل‌نشینان و دام‌هایشان، اتفاق دیگری افتاده است. بر اساس بررسی‌های انجام شده و آمار و اطلاعات مأخوذه از کتابچه طرح‌های جنگل‌داری فعال و مقایسه برداشت و سطح جنگل‌کاری انجام شده و مواد حاصل از آن طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۸۱ (برنامه‌های اول و دوم) نادرستی سناریوی بالا کاملاً قابل درک خواهد بود.

بر مبنای این اطلاعات میانگین برداشت سالیانه طرح‌های جنگل‌داری فعال و تحت اجرا بر اساس کتابچه طرح‌های جنگل‌داری بیش از ۲ میلیون مترمکعب برآورد شده که از این میزان حدود ۱ میلیون مترمکعب (معادل ۵۴٪) تحت شیوه جنگل‌داری تدریجی پناهی با برداشت متمرکز (دانگ‌های زادآوری) و حدود ۳۵۰ هزار مترمکعب (معادل ۱۷٪) مربوط به مناطق اصلاحی و حدود ۵۵۰ هزار مترمکعب (معادل ۲۹٪) مربوط به عرصه احیایی با برداشت متمرکز قطع یکسره و نواری می‌باشد. این در حالی است که بر اساس اطلاعات جدول ذیل، میزان جنگل‌کاری به‌وسیله این شرکت‌ها بسیار ناچیزتر از برداشت سالیانه‌ای است که انجام می‌دهند.

جدول ۳- آمار سطح جنگل‌کاری از بدو تشکیل سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور تا پایان برنامه دوم

مقطع زمانی	سطح (هکتار)	متوسط جنگل‌کاری سالیانه (هکتار)
پیش از انقلاب	۲۹۴۵۴	۱۷۳۲/۶
طی سال‌های ۶۸-۱۳۵۸	۶۰۰۱۰	۶۰۰۱
برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸)	۸۹۶۸۵	۱۷۹۳۷
برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۳)	۶۹۴۳۵	۱۱۵۷۲/۵
جمع کل	۲۴۸۵۸۴	۶۵۴۱/۷

ماخذ: هدایتی، ۱۳۸۰

امکان ندارد که جنگل‌کاری به مساحت ۱۵۹۱۲۰ هکتار در طی دو برنامه اول و دوم بتواند برداشت بیش از ۲۰ میلیون مترمکعب در همین دوره را برای سال‌های آتی جبران کند. اگر چنین بود که آمار و ارقام فاجعه بار کاهش سطح جنگل‌ها مرتباً رو به افزایش نبود. واقعیت آن است که به‌عنوان حفاظت و احیاء جنگل، بخشی از جنگل‌های هیرکانی به شرکت‌های خصوصی واگذار شده است. اکثر این شرکت‌ها به‌عنوان حفاظت و صیانت جنگل‌های شمال وارد کار شده‌اند. اکثر شرکت‌های خصوصی اقدام به قطع یکسره درختان جنگل نموده و کلمه‌ای را که برای قطع درختان به‌کار برده‌اند، کلمه جنگل‌تراشی است. زمین و جنگل را به‌طور کلی از درخت‌ها صاف کردند. سپس بخشی از جنگل‌های صاف شده را تبدیل به جنگل‌های سوزنی‌برگ کرده‌اند. در عمل آنها توانسته‌اند حدود ۳۰٪ زمین‌ها را زیر جنگل‌کاری ببرند. یعنی ۷۰٪ جنگل‌های تراشیده شده

تبدیل به زمین‌های کشاورزی و یا زمین بایر شده است و در بدترین شکل ممکن برخی از همین زمین‌ها وارد بورس بازی زمین شده که صد البته رخنه سرمایه‌داری ارضی به این بخش از کشور سرعت تخریب‌ها را با جهش خیره‌کننده افزایش خواهد داد. نتیجه آن که در عمل:

- ۱- دولت بخشی از تعهدات خود را نسبت به مردم عمل نکرده است.
- ۲- حفظ محیط زیست تبدیل به تخریب محیط زیست شده است.
- ۳- عملاً عرصه‌های جنگلی تبدیل به یکی از زمینه‌های رقابت اقتصادی بخش‌های خصوصی جهت ثروت‌اندوزی شده است.

جدول ۴- خلاصه اطلاعات مربوط به شرکت‌های تعاونی جنگل‌نشینان هیرکانی شمال ایران

حوزه اداره کل منابع طبیعی	نام تعاونی	تعداد اعضاء	شاغل در شرکت	مساحت طرح (هکتار)
گیلان	لیل	۲۰۰	۵۵	۱۴۲۳۲
	آستاراچای	۱۶۲	۵۳	۸۴۸۸
	نرماش	۱۶۶	۳	۶۶۹۶
	قیصر لوه	۲۵۷	۶۶	۷۰۷۷
	ملک رود	۳۷۸	۵۵	۸۹۳۰
	امامزاده ابراهیم	۱۰۹۵	۹۲	۱۸۱۴۶
	انجیل بن	۱۹۲	۶۴	۲۴۳۱
	امیر المومنین	۵۹۳	۳۹	۵۱۱۲
نوشهر	صفارود	۲۲۸	۵۰	۸۸۶۸
	نثارود	۳۵۰	۲۰	۷۱۶۷
ساری	ولویی	۵۷۶	۱۰۱	۱۲۱۸۰
	لولا	۲۶۳	۸۴	۳۸۶۹
	آذر رود	۲۵۴	۱۱۶	۸۴۰۱
	کار سنگرود	۲۱۷	۷۴	۶۴۱۴
	نقبیده- مزده	۲۱۰	۴۷	۲۰۱۳
گرگان	انصار	۱۲۳	۶	۱۴۶۸
	المهدی	۱۷۳	۳	۱۸۸۴
جمع کل		۵۴۳۷	۹۲۸	۱۲۴۳۷۶

ماخذ: مهرابی، ۱۳۸۱

با این نگاه، منابع طبیعی کاملاً از دید اقتصادی دیده شده است. در این شیوه سرمایه‌داری برای این که شرکت‌های خصوصی وارد عرصه‌های جنگلی شوند، باید ابتدا جنگل‌نشینان و دام‌هایشان از جنگل خارج می‌شدند. در این روند تمام مخارج تا خروج دام از جنگل و تسطیح زمین (چهار هکتار برای هر خانوار) ساخت گاو‌داری و ساختمان مسکونی به عهده دولت بوده است. بخش خصوصی بدون سرمایه‌گذاری پایه‌ای جنگل را تحویل گرفته و اولین اقدامش قطع درختان بوده است. یعنی سودجویی به معنی وسیع کلمه. بنابراین تحت حمایت محیط زیست و حفظ جنگل، جنگل‌نشینان از سامان خود اخراج

شدند تا شرکت‌ها و بانک‌ها سودآور شوند. در حقیقت در پس تمام این طرح بزرگ، منافع اقتصادی شرکت‌های خاصی نهفته بود.

جدول ۵- خلاصه اطلاعات مربوط به شرکت‌های دولتی

نام شرکت	موقعیت	نوع مالکیت	وسعت طرح جنگلداری (هکتار)
شرکت سهامی چوب گیلان	اسالم	دولتی	۶۷۹۰۷
شرکت سهامی نکا چوب	ساری	دولتی	۱۱۱۰۷۳
شرکت سهامی چوب فریم	پل سفید مازندران	دولتی	۳۴۹۷۰
راه آهن دولتی ایران	شیرگاه مازندران	دولتی	۱۱۲۵۳
شرکت سهامی سفارود	رضوانشهر	دولتی	۱۲۷۴۱۴
شرکت البرز مرکزی	زیراب مازندران	دولتی	۶۹۲۴

مأخذ: سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، ۱۳۷۹

جدول ۶- خلاصه اطلاعات مربوط به شرکت‌های خصوصی

نام شرکت	موقعیت	نوع مالکیت	وسعت طرح جنگلداری (هکتار)
نئوپان ۲۲ بهمن	بهشهر	خصوصی	۸۹۵۳
شرکت سهامی روکش چوب ایران	قزوین	خصوصی	۱۵۸۲۷
شرکت سهامی چوب ایران	قزوین	خصوصی	۳۱۱۱۷
شرکت سهامی چوب و کاغذ ایران	ساری	خصوصی - دولتی	۱۱۳۹۸۲
شرکت شמושک	گرگان	خصوصی	۷۴۵۰
شرکت تخته فشرده شمال	قائم‌شهر	خصوصی	۶۰۶۵
شرکت قدس	آستان قدس	خصوصی	۳۰۰۰۰
جمع کل			۵۷۲۹۳۵

مأخذ: سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، ۱۳۷۹

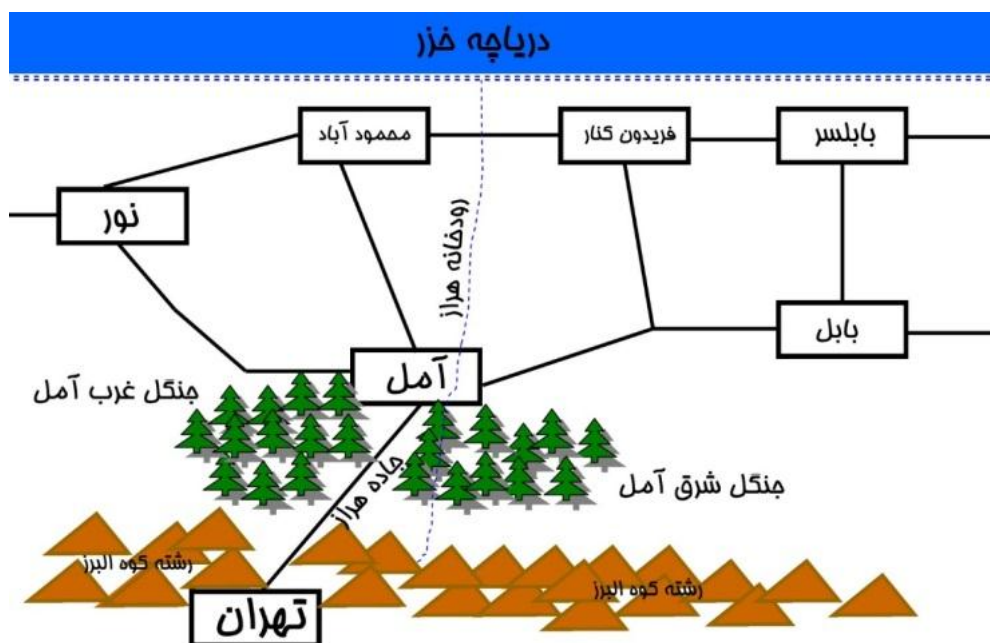
سناریوی سوم: الزامات امنیتی و اعمال قدرت دولت "ایجاد چتر امنیتی بواسطه همجواری جنگل‌های هیرکانی شمال با پایتخت"

بر اساس این سناریو نمی‌توان خروج جنگل‌نشینان و خروج دام از جنگل را فقط از دید اقتصادی دید؟ به نظر می‌رسد مسأله فقط به سودجویی اقتصادی بر نگردد و دیدگاه امنیتی در این زمینه دخیل است. چرا که طرحی با این پیشرفت ناچیز و کم با (۳/۷ درصد خانوار خارج شده و ۲۲/۹ درصد دام خارج شده) در طول برنامه‌های اول تا سوم تنها با منطق امنیتی قابل توجیه است و بر این اساس تا حصول نتیجه نهایی اعمال بودجه‌های سالیانه در قالب ردیف‌های اعتباری مشخص در برنامه‌های پنج ساله کشور ادامه داشته است. تجارب امنیتی کسب شده در طول ۳ دهه گذشته این نقطه از کشور را با توجه به نزدیکی و همجواری آن با پایتخت برای دستگاه‌های امنیتی و نظامی بسیار با اهمیت نموده است. این یک واقعیت غیرقابل انکار است که در طول قرن‌ها جنگل‌های هیرکانی شمال ایران محل مبارزات متعدد علیه دولت‌های وقت بوده است. در تاریخ

ایران بارها دیده شده که در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها جنگل‌ها را آتش زده‌اند. فردوسی در شاهنامه به صراحت می‌گوید که در لشکرکشی ایرانیان به دشت اتک در شمال خراسان فعلی، گیو دستور داد جنگل‌ها را بسوزانند تا لشکر بتواند از آن عبور کند. جنگل سه هفته می‌سوخت و هفته چهارم سپاه توانست از جنگل سوخته بگذرد.

ز آتش سه هفته گذرشان نبود
ز تف زبانه ز باد و ز دود
چهارم سپه بر گذشتن گرفت
همان آب و آتش نشستن گریست

این محل همان جایی است که گزاویه دوپلانول جغرافی‌دان فرانسوی می‌نویسد ۹۵٪ جنگل‌های ارس شمال خراسان در طول یک قرن از بین رفته است. تیمور در لشکرکشی به شیراز دستور داد جنگل‌های محدوده را آتش زنند تا از حملات چریکی احتمالی در امان باشد. بارها جنگل به‌خصوص جنگل‌های شمال ایران پناهگاه گروه‌های چریکی بوده است. در اوایل قرن بیستم جنگل‌های گیلان پناهگاه مبارزان نهضت جنگل تحت رهبری میرزا کوچک‌خان جنگلی بود. در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۰ جنگل‌های هیرکانی شمال مورد توجه چریک‌های فدایی خلق قرار گرفت و مسأله سیاهکل اتفاق افتاد. در اوایل شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۰) حدود دویست نفر از چریک‌های اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران) فعالیت خود را در جنگل‌های جنوب آمل شروع کردند. هدف اتحادیه از انتخاب جنگل به‌عنوان بستر فعالیت‌های چریکی استفاده از عنصر مردم به‌عنوان یک هدف واسط برای ایجاد شورش‌های اجتماعی در میان دهقانان و در مراحل بعدی مردم ساکن شهرهای همجوار بوده است. به همین جهت منطقه آمل به‌دلیل بافت اجتماعی و وجود قومیت‌های مختلف که بعضاً با درگیری‌هایی در بعضی روستاها همراه بوده می‌توانست یک منطقه مستعد برای پیگیری این هدف باشد. اتحادیه قصد داشت از طریق عملیات پی در پی نظامی و جذب نیروهای جدید از طریق روستاها و شهرها، ارتش رهایی بخش خلق را پی‌ریزی کند و با این ارتش خلقی که قسمت اعظم آن توده‌های مردمی خواهند بود انقلاب را سرنگون کند. آنها بالاخره با نیروهای نظامی درگیر شده و با حمله به شهر آمل و ایجاد خسارت‌های عمده در ۶ بهمن ماه ۱۳۶۰ شکست خوردند. درست دو سال بعد از شکست چریک‌های چپ‌گرا در جنگل‌های جنوب آمل، طرح خروج جنگل‌نشینان و دام‌هایشان از جنگل‌های هیرکانی مطرح شد. طرح از جنگل‌های جنوب آمل (شکل ۱) یعنی همانجا که چریک‌های کمونیست پایگاه داشتند آغاز شد.



شکل ۱- محدوده شروع خروج جنگل‌نشینان از جنگل‌های هیرکانی ۱۳۶۲

با این منطق به سختی می‌توان اجرای برنامه خروج جنگل‌نشینان از جنگل‌های آمل و حرکت‌های چریکی اتفاق افتاده در آن مقطع زمانی را یک تصادف دانست. در دوره پهلوی اول برای مبارزه با ایلات و عشایر، اقدام به یکجانشین کردن آنها شد. خوانین و بزرگان آنها سرکوب، زندانی و حتی اعدام شدند. بنابراین مبارزه دولت مرکزی با ایلات و عشایر بیشتر جنبه اعمال قدرت روی افراد را به خود گرفت. در دوره پهلوی دوم علاوه بر اعمال قدرت روی افراد، دولت مراعات و جنگل‌ها را ملی کرد. یعنی مدیریت و مالکیت و حقوق عشایر و خوانین آنها نادیده گرفته شد. در نهایت برای عشایر پروانه چرا صادر شد. یعنی اعمال قدرت بر افراد و بر فضای جغرافیایی. در جمهوری اسلامی نیز برای حفظ امنیت و برخورد با کوچ‌نشینان و نیمه کوچ‌نشینان سیاست‌ها از سال ۱۳۶۱ برای تکمیل اعمال قدرت بر افراد و بر فضای جغرافیایی، تخریب جنگل و مرتع نیز مطرح گردید. بنابراین به‌نظر می‌رسد دولت برای اعمال قدرت و حفظ امنیت در شمال کشور طرح خروج جنگل‌نشینان در جنگل را مطرح کرده است. جنگل‌ها آن هم از نوع گونه‌های پهن برگ آن قابلیت بالایی برای تحرک‌های نظامی گروه‌های چریکی خواهد داشت. وجود بیش از ۳۴۰۱ آبادی با جمعیتی بالغ بر ۶۶۵۰۰ نفر و ۳۳۱۰۷ واحد دامداری که دارای اطراق‌گاه‌های جنگلی می‌باشند در شرایط احتمالی آینده می‌تواند منبع مناسبی برای تأمین نیازهای گروه‌های شورشی باشد. بنابراین سناریوی الزامات امنیتی و اعمال قدرت دولت در طرح خروج دام و ساماندهی جنگل‌نشینان با این منطق نظامی ارائه شده و ضرورت‌های حفظ امنیت ملی قابلیت توجیه بیشتری را دارد. متهمی این طرح به ذائقه سرمایه‌داران و شرکت‌های خصوصی هم خوش آمده و سرمایه‌داری هم در این بین راه خود را گشوده است. طرح با هدف ایجاد امنیت و در ظاهر برای حفظ صیانت جنگل و در عمل تأمین‌کننده منافع شرکت‌ها انجام شده است.

توصیه ترویجی

بر اساس آمار ارائه شده توسط سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور تا پایان برنامه سوم تنها ۲۹۳۸ خانوار (۳/۷ درصد) از کل خانوارها و ۱۰۰۱۷۹۰ واحد دامی (۲۲/۹ درصد) از کل دام‌های موجود در جنگل‌های هیرکانی شمال ایران خارج شدند. درصد ناچیز موفقیت اجرای طرح نشان می‌دهد که برخورد با مسائل انسان محور جنگل‌های هیرکانی نیاز به مطالعات همه جانبه داشته و اصولاً اتخاذ و اجرای یک سیاست کلی و همسان در همه ۱۰۳ حوزه آبخیز این بخش از کشور به دلیل تنوع بالای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باعث اتلاف منابع و پیچیدگی‌های بیشتر مشکل خواهد شد. خروج ۲۹۳۸ خانوار به‌همراه دام‌هایشان در حقیقت به معنای حذف این تعداد ظرفیت شغلی در جنگل‌های هیرکانی و اشغال همین تعداد فرصت شغلی از مناطق روستایی و شهری پایین‌دست محسوب می‌شود. نکته قابل تأمل آن است که این طرح از طریق منابع ملی که در قالب ردیف‌های اعتباری سالیانه تأمین می‌شده اجرا گردیده است. بعد از اجرای طرح تنفس جنگل‌های هیرکانی از سال ۱۳۹۶ به دلیل ممنوع شدن بهره‌برداری تجاری و صنعتی از چوب جنگل‌ها از ابتدای سال چهارم اجرای قانون برنامه ششم و عدم تمدید قراردادهای طرح‌های جنگل‌داری از سوی دولت با شرکت‌های بهره‌برداری از جنگل، عملاً نظارت‌های مستمری که بوسیله قرق‌بانان استخدام شده این شرکت‌ها انجام می‌شد متوقف و دامداران خارج شده همچنان دام‌های خود را در سطح عرصه‌های آزاد شده برای چرا حرکت می‌دهند. پیشنهاد می‌شود سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور ضمن برگزاری یک رویداد علمی در سطح ملی با استفاده از ظرفیت همه کارشناسان، اساتید و نخبگان بخش‌های خصوصی و موسسات مردم‌نهاد، ضمن واکاوی نقاط قوت و ضعف اجرای طرح ساماندهی جنگل‌نشینان هیرکانی نسبت به تهدیدات جدی که در سال‌های اخیر به‌واسطه اجرای طرح تنفس و گسترش بوم‌گردی و توسعه خانه‌های دوم این میراث جهانی را مورد مخاطره جدی قرار داده چاره‌اندیشی نماید.

فهرست منابع

- حق‌زاد، آ. و حسینی مهر، س.ص. ۱۳۸۶. بررسی نقش جنگل و توجه به جنگل‌نشینان در توسعه روستایی. همایش منطقه‌ای راهکارهای توسعه از دیدگاه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، ۱۷ ص.
- خادم، ن. ۱۳۸۰. بررسی وضعیت اقتصادی- اجتماعی دامداران مشمول طرح ساماندهی خروج دام از جنگل‌های شمال کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران.
- سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور. ۱۳۷۳. دستورالعمل تهیه و اجرای طرح ساماندهی خروج دام و تمرکز خانوارهای پراکنده جنگل‌نشین در جنگل‌های شمال کشور. تهران، ایران.
- عادل، م.ت. و صدیقی، ع.ن. ۱۳۹۹. بررسی اثر طرح ساماندهی خروج دام و جنگل‌نشینان بر تجدید حیات در جنگل‌های فومن، استان گیلان، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۲۲ (۳): ۱۶۷-۱۵۷.
- مهرابی، ع.ا. ۱۳۸۱. بررسی اقتصادی و طرح مباحث نظری شرکت‌های تعاونی جنگل‌نشین شمال ایران. مجله منابع طبیعی ایران، ۵۵ (۲): ۱۸۷-۱۷۳.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۲. نسخه چاپی قانون برنامه جامع صیانت از جنگل‌های شمال کشور (حفظ، نگهداری و توسعه جنگل‌های شمال). بند ۱ ماده ۶، تهران، ایران.
- معتمد، م.ک. و قربانی پیرعلی‌دهی، ف. ۱۴۰۰. ارزیابی طرح ساماندهی خروج دام از جنگل (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان رضوانشهر). نشریه بوم‌شناسی جنگل‌های ایران، ۹ (۱۷): ۲۹-۲۰.
- هدایتی، م.ع. ۱۳۸۰. سیر تحول جنگل‌کاری در شمال کشور، تنگناها و راهکارها. مجموعه مقالات همایش مدیریت جنگل‌های شمال و توسعه، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، پایدار.